

در قالب دو نوازی و گروه‌نوازی اجرا می‌شود

روایتی از فرامرز پایور در جشنواره موسیقی فجر



محمد اسماعیلی و سعید ثابت آثاری از فرامرز پایور را در قالب دونوازی و گروه‌نوازی اجرا می‌کنند. سعید ثابت، نوازنده و مدرس سنتور با اعلام دو بخشی بودن اجرای خود در سی و چهارمین جشنواره موسیقی فجر اعلام کرده است در بخش دونوازی، همراه با استاد محمد اسماعیلی اجرایی در دستگاه شور خواهند داشت و دو قطعه این بخش، «راز و نیاز» و تصنیف «هاتف»، اثر استاد فرامرز پایور با تنظیم استاد پایور اجرا می‌شود. گروه‌نوازی بخش دوم، نیز شامل چهار مضرب شور و قطعه «فرود»، اثر استاد پایور و تنظیم سعید ثابت، تصنیف «پهانه» و «غمه چنگ»، با آهنگسازی و تنظیم ثابت به خوانندگی «علی‌رضا فردین‌پور» خواهد بود.

رویداد «شب‌های جنوب» در فرهنگسرای نیاوران

رویداد شب‌های جنوب که در فرهنگسرای نیاوران در حال برگزاری است در ساعت ۲۱ روز ۲۳ دی ماه میزبان دو گروه «کامکان» و «جالبوت» خواهد بود. در ۲۴ دی ماه موسیق شب زمستانی شب‌های جنوب با اجرای گروه «سلیدون» و «محسن شریفیان» گرم می‌شود.

ماهور ۸۱ منتشر شد

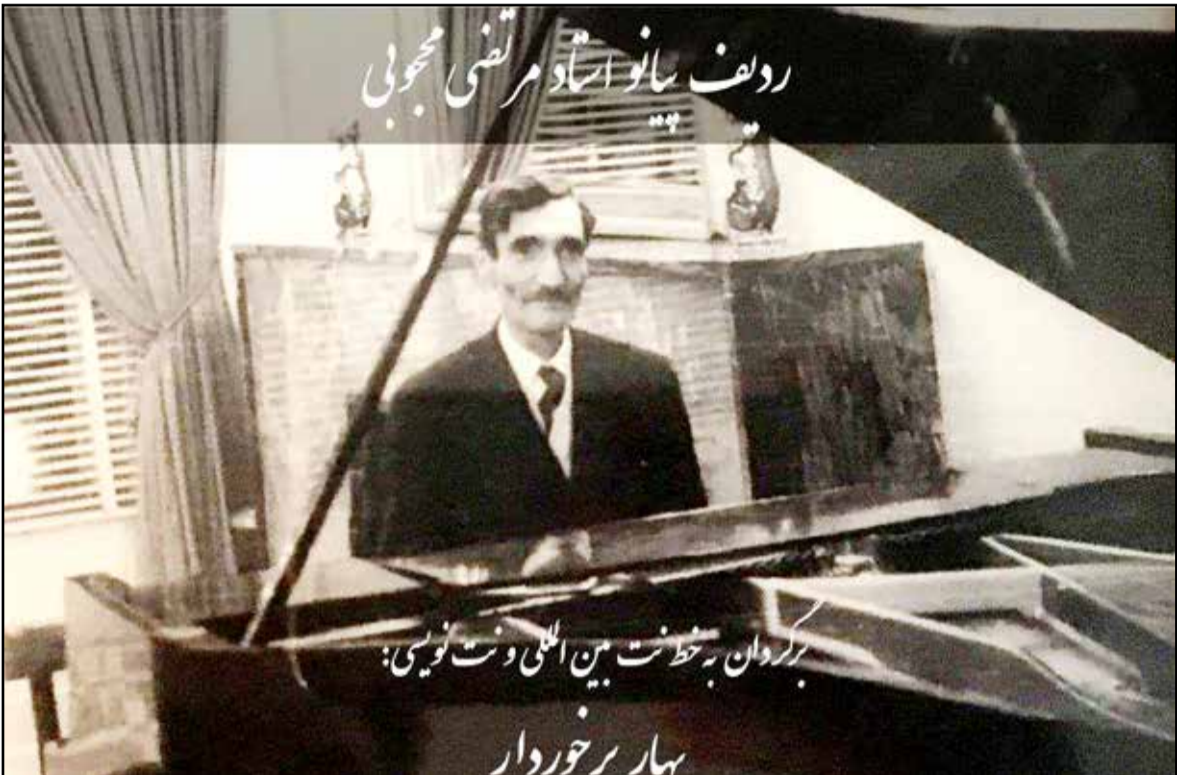


هشنادویکمین فصلنامه موسیقی ماهور منتشر شد. شماره ۸۱ اولین شماره این فصلنامه است که در آن سردبیر مشخص شده و نام ساسان فاطمی حالا مشخصاً به عنوان سردبیر در آن قید شده است. پیش‌تر فاطمی عضو شورای سردبیری این نشریه بود و نشریه با سردبیری همین شورا هدایت می‌شد که اکنون بعد از انتشار ۸۰ شماره این شیوه تغییر کرده است. صفحه موسیقی روزنامه توسعه ایرانی با آرزوی بهتر برای نوازی و صاحب‌نام ماهور این انتخاب تبریک می‌گوید. در شماره ۸۱ مطالب ذیل منتشر شده است:

چهار مقاله، که عبارتند از: «تونهایی از پیوندهای موسیقی ایرانی با گونه‌های ادبی، مطالعه‌ی موردی: خسروانی، ساقی‌نامه و مثنوی» به قلم بابک خضری، «سازشناسی فرهنگی و ردیابی فرهنگی سازها با نگاهی به تحولات معاصر سازهای موسیقی دستگامی» نوشته حامد جلیلیوند؛ «صفحه‌شناسی آثار ایران‌الدوله روی صفحات ۷۸ دور» توسط محمد رضا شریلی و «صفحه‌شناسی صفحات پلیفن، ۱۹۲۹» توسط شاهرخ عیدی بخش اول را تشکیل می‌دهند. در بخش مفاهیم بنیادین این شماره مقاله «موسیقی به مثابه بازی نمود» نوشته فیلیپ بلمن، با ترجمه ناتالی چوبینه آمده است. مهشید فراهانی در بخش گزارش در خصوص «بازبینی چندشده مرتبط با موسیقی در موزه ملی ایران» ارائه کرده است. در قسمت یاد یاران نیز از فرهاد گرگین‌پور به قلم بابک خضری یاد شده است. به مناسبت صدسالگی لئونارد برنستاین، مصاحبه‌ای با بابک بویان توسط رامین نظری جور باره مجموعه کنسرت‌ها و برنامه‌های آموزشی برنستاین در بخش گفتگو آمده است. نقد و بررسی این شماره حاوی ۴ مطلب است که ساسان فاطمی سردبیر فصلنامه ماهور نقدهای آدلف زولین با عنوان «چند نقد قرن نوزدهمی» را ترجمه کرده است. «شرط‌های مفقود ترجمه» به قلم آروین صداقت کیش ضمن انتقاد کلی از مساله ترجمه در ایران، به نقد ترجمه تازه منتشرشده از کتاب مشهور ماکس وبر، «بنیانهای عقلانی و اجتماعی موسیقی» پرداخته است. و «نقدی بر برد عالی علی اکبر شهنازی، تحریر فرهاد زولینی» نوشته جعفر صالحی سومین نقد این شماره فصلنامه است. تافصیلی دیگر نیز به قلم سعید محمد موسوی در پایان آمده.

تأملی کوتاه درباره «ردیف‌سازی»های برخی موسیقیدان‌های جوان امروز

مرجعیت‌های بی‌صلاحیت



روف یا استاد رهنما محجوبی

برکات برخطت بین‌المللی دست‌نویسی

مهیار رخوردار

خاصی از این «پرداختن» برکنارند: موسیقی‌نوازان بومی و محلی، موزیسین‌های پاپ، آهنگسازان فیلم و سازندگان موسیقی برای کودکان، و شماری از مصنفان موسیقی برای ارکستر سمفونیک. الباقی هر کدام به قدری و به سهمی، درگیر با این زمینه اصلی از رپرتوار موسیقی موروثی «مدرسی» (بخوانید کلاسیک) ایران هستند.

در این بین افرادی که به هر روزی، سازی از سازهای موسیقی کلاسیک ایرانی را نواخته‌اند، درگیری نزدیک‌تر و بیشتری را با میراث ردیف دارند. اکثریت آن‌ها با نوازندگان تار و سه‌تار است. به ویژه تار که ساز «مادر» و «خوش‌خوان اصلی» موسیقی مدرسی موروث از عهد قاجار (و پیش از آن) شناخته می‌شود و نظام ردیف‌نگار بر اساس امکانات آن ساخته و پرداخته شده است.

مجموعه ردیف‌ها برای دیگر

میرعلیرضا میرعلینی

این سخن چه واقعاً از داستایوفسکی باشد و چه نباشد، فرقی نمی‌کند؛ در هر حال سخنی است که حقیقت روشن و صریحی را بازنمایی می‌کند: «آنجا که خدا نباشد، همه چیز مجاز است».

یک ذهنیت مذهبی از این سخن، برداشتی ساده و بی‌تردید دارد. اما ذهنیتی که الزاماً مذهبی نیست و البته الزاماً ضد مذهبی هم نیست، مفاهیم و مصادیق آن را گسترش می‌دهد و به همان نتیجه‌ای می‌رسد که داستایوفسکی رسیده است، و بسیاری افرادی دیگر هم بدون این که حرفی از آن شنیده باشند، در اثر تجربه‌های زندگی به همین نتیجه رسیده‌اند.

دیرزمانی پیش نیست که «پرداختن» به ردیف -عمود اصلی خیمه موسیقی کلاسیک ایران- دل‌مشغولی افرادی از طیف‌های مختلف شاغل بر موسیقی شده است. به نظر می‌رسد تنها گروه‌های

دنگ و دونگ

ماجرای آن شب تالار وحدت و ممنوع‌الکاری علی قمصری از زبان خودش

موازنه صدرا را رعایت نکردم

داستان از کنسرت هفته پیش تالار وحدت آغاز شد. زمانی که قمصری باید در یک تصنیف، با هاله سیفی زاده، خواننده، هم آوایی می‌داشت اما درست به هنگام اجرای این تصنیف، صدای میکروفن‌ها قطع شد و بعد اعلام شد که او ممنوع‌الکار است. اتفاقی که سبب شد تا مردم «صحنه» کرمانشاه با وجود اعلام قبلی و فروش بلیت‌ها، کنسرت پنجشنبه گذشته قمصری را از دست داده و در ادامه، امشب کنسرت قمصری در اصفهان نیز انجام نخواهد شد. برای روشن‌تر شدن ابعاد این موضوع، صحبت‌های این نوازنده و آهنگساز با خبرگزاری ایلنا در ادامه آمده است.

□□□

بعد از اجرای تالار وحدت که با آن شرایط برگزار شد که صدرا قطع کردند و گفتند که ممنوع‌الکار خواهیم شد، درست فردای آن شب، مرا از طرف حراست وزارت ارشاد خواستند و اعلام کردند که نه تنها من بلکه گروه «هم‌نوازان حصار» از هر گونه فعالیت اجرایی ممنوع است و گفتند نامه کتبی‌اش را هم برای دفتر موسیقی فرستاده‌اند. همیشه روش این گونه است برای این که هنرمندان، این نامه‌ها را منتشر نکنند، نامه دست آنها نمی‌دهند و طبیعتاً شفاهی

سازها، با تأخیر زمانی نسبت به اجرا و ضبط و نشر ردیف‌های «تار»، فراهم شده‌اند. ناگفته پیداست که ردیف‌دانی، البته در سطوح گوناگون کودکان، و شماری از مصنفان موسیقی برای ارکستر سمفونیک، محسوب شده و می‌شود.

مهارت‌های نوازندگی در اجرای آن از شرط مسلم استعداد، از یکسو و تمرین‌های مادام‌العمر از سوی دیگر، احاطه به ساختارهای درونی و بیرونی آن، سالیان متمادی تعمق و کشف ریزه‌کاری‌های درون آن که در تدریس و اجرای فرد مدعی ردیف‌دانی قابل تشخیص است، همه و همه، به همراه سالها حضور مستمر و فعال در این عرصه و اخذ تائید از بزرگان و پیش‌کسوتان، شناسه‌هایی هستند که فرد صاحب صلاحیت در این حوزه فرهنگ و هنر را معرفی می‌کنند، حتی آوانگاری ردیف که به‌ظاهر ساده‌ترین کار در این زمینه به نظر می‌آید (و حتی عده‌ای از جوانان پرشور و تکنولوژی‌زده، معتقدند که یک سیستم نرم‌افزاری

دقیق هم می‌تواند به‌جای انسان این کار را انجام دهد!) کاری است که به سال‌ها تجربه و تمرین و آزمایش و خطا برای رسیدن به حد مطمئنی از درستی و استحکام نیازمند است. مجموعه ردیف و موسیقی

کلاسیک ایرانی، بدون در نظر گرفتن این شاخصه‌های فرهنگی، که بخش مهمی از آن به رعایت قوانین (نوشته‌شده و حتی نوشته‌نشده) قانونی و اخلاقی برمی‌گردد، تبدیل می‌شود به مشتی ماده خام صوتی (ماتریال سونور) که هر آماتور بی‌صلاحیت و هر جوانان جوای نامی، می‌تواند از دیوار بارها کوتاه شده آن بالا برود و فضای ذهن متوهم خود و «فالوئرهای» دنیای مجازی‌اش، برای خودشان و جایگاه در نظر بگیرد و حتی مدعی انجام کاری نشود؛ و محیرالعقول هم بشود؛ بی‌اخلاقی‌اش، سوی بی‌هنری‌اش، به موسیقی و موسیقیدان و فرهنگ و اخلاق، آسیب‌های جدی و جبران‌ناپذیر وارد کند، از این منظر، به‌درستی، هم شگفت‌آور و هم تأثرآور است که می‌بینیم «روایت»های تازه به بازار آمده از میراث ردیف، برخلاف زمانی نه‌چندان دور که استادان ریاضت کشیده و از صافی گذشته در سین

پایان عمر، آن را عرضه می‌کردند، اکنون دستمایه شهرت طلبی آماتورهای بی‌استعداد، نوازنده-معلم‌هایی در حد متوسط به پایین، آن هم در سنین زیر میان‌سال شده است. آلبوم‌های خوش‌طرح و نقش، «بکیج»هایی شیک و حجیم، گاه مزین شده با پیشگفتارهایی از فلان و بهمان نوازنده قدیمی و یادکترهای غالباً «انتموموزیکولوگ» به‌بازار می‌آیند و به برکت فالوئرهای خریداری‌شده و یاری هم‌کلاسی‌ها و خویشاوندان و شاگرددها در مراسم «رونمایی»های شبیه برنامه‌های دورهمی، در بوق و کرنا میدمی‌شوند.

چند آلبوم حاوی ردیف‌های نواخته شده با تار و سه‌تار، یکی دو آلبوم حاوی نوازندگی با سازهای دیگر، و اخیراً نت‌نویسی‌های بی‌آزمون و بی‌تایید از معدود استادان صاحب صلاحیت (نظیر هوشنگ ظریف، داریوش طلائی، ارشد طهماسبی، مجید کیانی و داوود گنج‌های) خیلی

اخیراً نت‌نویسی‌های بی‌آزمون و بی‌تایید از معدود استادان صاحب صلاحیت، خیلی راحت و با حجم عظیمی از ادعا و اعتماد به نفس به آشفته‌بازار موسیقی امروز روانه می‌شوند که جز هدر دادن مواد خام نشر، گمراه کردن بی‌هنران مدعی و مهاجم، نتیجه دیگری ندارد

راحت و با حجم عظیمی از ادعا و اعتماد به نفس به آشفته‌بازار موسیقی امروز روانه می‌شوند که جز هدر دادن مواد خام نشر (از کاغذ تا پلاستیک)، گمراه کردن هنرجویان جوان و باد کردن بی‌هنران مدعی و مهاجم، نتیجه دیگری ندارد.

از یاد نبریم که در گذشته‌های نه‌چندان دور، استاد فرامرز پایور هنرمندی که تاریخ سنتورنوازی شصت سال گذشته بدون او زمینه‌ای خالی و بی‌معنی است، با آن همه احاطه شگفت‌آور در شناخت و تدریس و اجرای ردیف‌ها و با اینکه ردیف‌های ویژه اجرا با سنتور موسوم به «ردیف مقدماتی» و «ردیف چپ‌کوک» را (سالها قبل از کشف و نشر آثار مفقوده استاد حبیب سماعی) آفریده و نوشته بود، هیچ‌گاه از عنوان «ردیف فرامرز پایور» استفاده نکرد و اجازه نداد که شاگردانش هم چنین عنوانی را به کار ببرند و یا هنرمندی بی‌بدلی به نام محمد رضا لطفی با آن همه شناخت عمیق و دقیق از ردیف‌ها دست‌آخر راضی نشد روایتی دیگر را ضبط و نشر کند. میراث ردیف‌فرآیندی سهل و ممتنع است که متأسفانه برخی از آقایان و خانم‌های جوان و نامجو در فضای امروز، آن را فقط «سهل» انگاشته‌اند. غافل از این که «آن خشت بود که پر توان زد» و این اول مطلب است.



صدرا اصل‌زاد را رعایت نکردم.

معمولاً روش این است که با خود هنرمند صحبت کرده و در مورد لغو کارش با او حرف می‌زنند. من به خاطر عصبانیت و شوکه شدنم، زیاد اخبار را در این روزها دنبال نکردم چون می‌خواستم آرامش داشته باشم. تنها در مورد اینکه ممنوع‌الکار شده‌ام مطلبی منتشر و آگاهی‌رسانی کردم؛ و چون اجرای شهر «صحنه» گذشته و یکشنبه در اصفهان است، بالاخره مسئولیت‌پذیری ایجاب می‌کرد که یک اطلاع‌رسانی کنیم تا مردم پول‌هایی که پرداخت کرده‌اند را پس بگیرند.

آنچه باید به من ابلاغ می‌شده را حراست به من ابلاغ کرده. هم به‌صورت شفاهی به من ابلاغ کردند و هم به من هم گفتند که فردا این راه شکل کتبی از دفتر موسیقی پیگیری کن که بدشانسی ما و آنها این است که ما به تعطیلی پنجشنبه و جمعه ارشاد خوردیم و تا این روال اداری را طی کنیم، یک کنسرت راز دست می‌دهیم.



حراست می‌فرستد چون فیلم‌های موبایلی فرکانس‌های صدای بالا را تقویت می‌کند، صدای زیر به شکل کاملاً طبیعی بالاتر به نظر می‌رسد و این موجب می‌شود که حساسیت به خرج دهند. طبیعتاً من هم خواننده حرفه‌ای نیستم و آنچه آنها را به اشتباه می‌انداخت این بود که آنها حضور فیزیکی در سالن نداشتند و فیلم را برایشان ضبط می‌کردند و می‌فرستادند و چون صدای زیر، فرکانس نافذتری دارد، این فرکانس، تک‌خوانی را تداعی می‌کند که تنها خواننده خانم خواننده یا صدای من کم بوده.

در سه‌شب اول، من این اصل را رعایت کردم اما زمانی که میکروفن را قطع کردند، من آن را رعایت نکردم و فیلمی که از ما منتشر شده، فیلمی است که دیگر میکروفنی وجود ندارد و من دیگر در جاهایی از آن را نخواندم. آنجا به‌عمر رعایت نکردم چون به من گفته شده بود که از فردا ممنوع‌الکار می‌شوی و با خیال اینکه آینده‌ام معلوم شده، به سیم آخر زدم. الان صادقانه می‌گویم که شب آخر کنسرت، موازنه